

<https://www.pecritiue.com>

فقد اقتصاد سياسي  
مهرماه ۱۴۰۲

# اسرائيل چه گونه مقاومت دموکراتیک فلسطين را سرکوب کرد؟

دانیل تیلور



مقاومت فلسطینی بی‌عیب‌ونقص چگونه خواهد بود؟ لیبرال‌های غربی ممکن است دوست داشته باشند به اشکالی از کنشگری توجه کنند که به وجدان فردی و حقوق مالکیت احترام می‌گذارد: برای مثال، درخواست‌ها و تحریم‌هایی توسط مصرف‌کننده. سوسیالیست‌ها بدون شک چیزی مبتنی بر همبستگی طبقه‌ی کارگر، اعتصابات و بسیج فرافرقه‌ای توده‌ای را ترجیح می‌دهند. اسرائیل در مواجهه با چنین مخالفتی که از نظر اخلاقی بی‌عیب‌ونقص و از نظر استراتژیک مناسب است، چه خواهد کرد؟

نباید تعجب کنیم. چراکه قبل از تأسیس اسرائیل، صهیونیست‌ها به طور سیستماتیک کوشیدند توسعه‌ی چنین مقاومتی را سرکوب کنند. آن‌ها رهبران فعال خشونت‌پرهیز را دستگیر کردند و به قتل رساندند، اقتصاد فلسطین را تغییر شکل دادند تا جنبش کارگری آن را متلاشی کنند، فرایندهای انتخاباتی دموکراتیک را مختل کردند و اکثر فلسطینی‌ها را تحت حکومتی پلیسی قرار دادند که سازمان‌دهی سیاسی عادی تقریباً در آن غیرممکن است. دولت‌های پیاپی اسرائیل به‌طور سیستماتیک تلاش کرده‌اند تا مخالفت دموکراتیک گسترده را با سیاست‌های پاکسازی قومی و دزدی زمین از بین ببرند.

پیشگامان اسرائیل در دهه‌ی ۱۹۳۰ به مسأله‌ی فعالیت اتحادیه‌ی کارگری حساس بودند. اتحادیه‌های کارگری می‌توانند نقطه‌ی طبیعی همبستگی دموکراتیک بین یهودیان و فلسطینیان باشند. کارگران یهودی از طریق سازماندهی جمعی در محیط کار می‌توانند مطالبات و خواسته‌های رفقای فلسطینی خود را درک کنند. رهبران سیاسی جنبش صهیونیستی این احتمال و خطراتی را که برای پروژه‌ی آن‌ها در پی داشت درک کردند. بنابراین از فعالیت آن‌ها جلوگیری کردند.

رهبران صهیونیست اتحادیه‌های یهودی برای «کار عبری» مبارزه کردند: برای اخراج کارگران عرب و جایگزینی نیروی کار منحصراً یهودی. اکثر کارگران یهودی در این ساختارهای نژادپرستانه‌ی اتحادیه سازماندهی شدند که همبستگی با فلسطینی‌ها در محل کار را عملاً غیرممکن می‌کرد. هدف صهیونیست‌ها از همان ابتدا جلوگیری از توسعه‌ی همبستگی سازمانی بین فلسطینی‌ها و یهودیان و حذف فلسطینی‌ها از بخش‌های اقتصادی قدرتمند بود که می‌توانستند اعتصابات مؤثری علیه ظلم

صهیونیست‌ها ترتیب دهند. پاکسازی قومی نیروی کار اولین گام در پاکسازی قومی خود فلسطین بود. بنابراین، به لطف شوونیسم نژادی اتحادیه‌های صهیونیستی، همبستگی گسترده‌ی اتحادیه‌های کارگری یهودی-فلسطینی تقریباً غیرممکن شد. با وجود این، نسل‌های فلسطینی اتحادیه‌های کارگری را که برای مقاومت در برابر تهاجم و اشغال مبارزه می‌کردند، ساختند و بازسازی کردند. در دهه‌ی ۱۹۵۰، فلسطینیان در کرانه‌ی باختری- که در آن زمان تحت حاکمیت اردن بودند- با وجود آزار و اذیت توسط سلطنت اردن، اتحادیه‌های کارگری قدرتمندی را سازماندهی کردند. زمانی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به کرانه‌ی باختری و غزه حمله کرد، اشغالگران نظامی، سرکوب اتحادیه‌های کارگری را تشدید کردند. اتحادیه‌های کارگری عملاً در اورشلیم حذف شد زیرا فعالان برجسته‌ای مانند «میشل سنداحه» (Michel Sindaha) و «محمد جادالله» (Muhammad Jadallah) بازداشت یا تبعید شدند و بودجه‌ی اتحادیه‌های کارگری مسدود شد. ارتش اسرائیل اتحادیه‌های کارگری کرانه‌ی باختری را درهم شکست و تعداد اتحادیه‌های فعال در اورشلیم از سیزده به سه اتحادیه سقوط کرد.

«یوست آر. هیلترمن» (Joost R. Hiltermann) در کتاب خود درباره‌ی ریشه‌های انتفاضه‌ی اول می‌نویسد: «هیچ نشانه‌ای وجود ندارد مبنی بر اینکه مقامات نظامی قدرت بالقوه‌ی جنبش اتحادیه را همواره دست‌کم گرفته‌اند، و بنابراین آن‌ها اقدامات زیادی برای جلوگیری از "عملکرد عادی" اتحادیه‌ها انجام داده‌اند». وی اشاره کرد: «کنشگران اتحادیه‌های کارگری در سراسر دهه‌ی ۱۹۷۰ بازداشت و تبعید شدند و اعضای اتحادیه‌ها در تلاشی آشکار برای جلوگیری از جلب حمایت توده‌ای از اتحادیه‌ها، آشکار و نهان مورد آزار، اذیت و تهدید قرار گرفتند».

اخراج کنشگران فلسطینی محدود به رهبران اتحادیه‌های کارگری نبود. اسرائیلی‌ها با استفاده از قوانین اضطراری مربوط به اشغال فلسطین توسط استعمار بریتانیا، یک دهه پس از حمله به سرزمین‌های اشغالی در سال ۱۹۶۷ بیش از هزار فلسطینی را اخراج کردند. بر اساس مطالعه‌ی A. M. Lesch، با این اخراج، در چند سال اول اشغال، جرگه‌ی کنشگران مسالمت‌جو «نابود شد». سازمان‌دهندگان اعتراضات علیه

الحاق اورشلیم شرقی به اسرائیل و فعالان در درخواست‌ها و اعتصاب‌ها علیه تغییرات در نظام‌های مذهبی، آموزشی و حقوقی، برای اخراج معرفی شدند.

همانطور که «رامی خوری» (Rami Khouri) در سال ۱۹۷۷ استدلال کرد، اخراج دقیقاً برای اشغالگران اسرائیلی مفید بود زیرا «از رشد یک رهبری سیاسی بدیل، طبیعی و صریح که بتواند حقوق و خواسته‌های سیاسی عرب کرانه‌ی باختری و غزه را بیان کند، جلوگیری می‌کند». معلمان به دلیل کمک به سازماندهی تظاهرات با دانش‌آموزان خود و شهردار رام‌الله به دلیل اعتراض به تخریب یک خانه اخراج شدند. هنگامی که فعالان کرانه‌ی باختری طوماری ترتیب دادند که سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان نماینده‌ی خود به رسمیت شناخت، سازمان‌دهندگان آن اخراج شدند. کل قبایل و خانواده‌ها در اعمال مجازات جمعی تبعید شدند.

صدها تبعیدی را مجبور کردند با پای پیاده روانه‌ی بیابان شوند. یکی از قربانیان این اقدام به یاد می‌آورد: «به ما دستبند و چشم‌بند زده بودند و پاهایمان را با زنجیر بسته بودند». پس از ساعت‌ها رانندگی، زندانیان را در منطقه‌ی متروکه‌ای که اسرائیل را از اردن جدا می‌کرد، پیاده کردند:

«ما در جاده بودیم و اطرافمان را بیابان احاطه کرده بود. افسری آمد و با صدایی تهدیدآمیز به ما دستور داد: "همین الان به سمت شرق بروید" و به تپه‌های شنی بیابان بی‌پایان اشاره کرد. "هرکس برگردد تیرباران خواهد شد. هر کس بعد از یک ماه، یک سال یا هر زمان دیگری برگردد باید بداند اینجا فقط مرگ در انتظار اوست". در شرق، شن‌های سوزان بیابان منتظر ما بودند... در گرمای وحشتناک ظهر شروع کردیم به قدم زدن بدون اینکه بدانیم قدم‌هایمان ما را به کجا می‌برد... وقتی به امان (پایتخت اردن) رسیدیم پاهایمان ورم کرده بود. پوست سر تراشیده‌ام به خاطر آفتاب کنده شده بود. صحرا یک کابوس بود»

کنشگرانی مانند «فیصل الحسینی» (Faisal-al-Husseini)، که کارگروه غیرخشونت‌آمیز مقابله با «مشت آهنین» را برای آگاهی بخشی در مورد اخراج‌ها راه‌اندازی کردند، سال‌ها بدون اتهام تحت سیاست «بازداشت اداری» زندانی شدند. قانون اشغالگران به پلیس این اجازه را می‌دهد که هرگونه تجمع سه نفر یا بیشتر را یک اقدام

جنایتکارانه‌ی بالقوه تلقی کند و هزاران فلسطینی به دلیل سازماندهی چنین «تجمعات غیرقانونی» دستگیر و زندانی شده‌اند.

در همین حال، دولت اسرائیل نسخه‌ی جدیدی از سیاست «کار عبری» را توسعه داده است: طرد دائمی فلسطینی‌ها از اقتصاد مولد. اسرائیل نمی‌توانست به‌طور کامل فلسطینیان را از طبقه‌ی کارگر خود حذف کند. اما می‌توانست - و چنین کرد - این کارگران تازه «جذب شده» را از اتحادیه‌های کارگری خود حذف کند و آن‌ها را به سمت مشاغل کم‌درآمد سوق دهد. اما مشاغل کم‌درآمد همچنان امکان سازماندهی کارگران را ایجاد می‌کند. بنابراین، سرزمین‌های تازه فتح شده‌ی اسرائیل در غزه و کرانه‌ی باختری، به معنای واقعی کلمه از فضای اقتصاد جدا شده بود.

کارگران غزه از سال ۲۰۰۷ به طور کامل از تعامل با اقتصاد اسرائیل محروم شده‌اند. محاصره به‌حدی مخرب بوده که حدود ۵۰ درصد از کارگران غزه بیکار هستند. کشاورزی و صنعت کرانه‌ی باختری، تحت اشغال عملاً از بین رفته است و کارگران آن باید در کنار حملات نیمه‌رسمی، مسمومیت‌ها و خرابکاری که توسط شهرک‌نشینان اسرائیلی انجام می‌شود، در شبکه‌ای از پست‌های بازرسی و مجوزهای نظامی در حال تغییر فعالیت کنند. از آن جایی که یک اقتصاد موازی «شهرک‌نشین» یهودی - برتری طلب در زمین‌های غصبی در اطراف آن‌ها ایجاد شده، قدرت اقتصادی‌شان و بنابراین قدرت اقدامات اتحادیه‌های کارگری، تقریباً به صفر رسیده است.

حق رأی در شرایط اشغال وجود ندارد. آخرین انتخابات در تشکیلات موسوم به خودگردان فلسطین در سال ۲۰۰۶ برگزار شد. در طول مبارزات انتخاباتی، نامزدها و مبارزانی که مشروعیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناختند دستگیر و در «بازداشت اداری» قرار گرفتند. نتایج منجر به افزایش حمایت از معدود احزاب فلسطینی شد که از پذیرش اشغال خودداری کردند - از جمله حماس. از آن زمان به بعد، هیچ انتخابات واقعی اجازه‌ی برگزاری ندارد.

فلسطینیان در رویارویی با سرکوب نظامی همه‌ی راه‌های عادی مقاومت سیاسی - اقدام اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌دهی سیاسی، اعتراض و حتی طومارها - مجبورند به دنبال همبستگی بین‌المللی باشند. اما حتی ملایم‌ترین و لیبرال‌ترین ابراز همبستگی با فلسطینی‌ها با سرکوب و حتی ممنوعیت اسرائیل و متحدان «دموکراتیک» آن در خارج

اسرائیل چه‌گونه مقاومت دموکراتیک فلسطین را سرکوب کرد؟

از کشور روبرو هستند. قانون اسرائیل می‌گوید هر کسی که خواستار تحریم اسرائیل شد، می‌تواند برای غرامت مدنی تحت پیگرد قرار گیرد: زمانی که دو فعال نیوزیلندی [«آرد»](#) [«خواننده‌ی نیوزیلندی»](#) را متقاعد کردند تا کنسرت خود را در تل‌آویو لغو کند، سه نوجوان اسرائیلی به دلیل «آسیب‌های عاطفی» با موفقیت از آن‌ها شکایت کردند. این شکایت توسط دادگاه‌های اسرائیل تأیید شد و نیوزیلندی‌ها مسئول پرداخت ده‌ها هزار دلار شدند.

گرچه احتمالاً مضحک به نظر برسد، این قانون به این معنی است که هر فلسطینی در اسرائیل که با موفقیت برای تحریم مسالمت‌آمیز، کاملاً در محدوده گفت‌وگوهای سیاسی لیبرال استدلال می‌کند، با خطر جریمه‌های مالی ویرانگر روبرو می‌شود. قوانین اسرائیل از ورود خارجی‌های طرفدار این تحریم به خاک اسرائیل جلوگیری می‌کند. قوانین ضدتحریم توسط متحدان غربی اسرائیل در حال گسترش است: ۳۵ ایالت ایالات متحده قوانینی برای محدود کردن تحریم اسرائیل دارند، و بریتانیا در حال بررسی قانونی است که به‌طور کامل نهادهایی مانند شوراهای محلی و دانشگاه‌ها را از شرکت در این تحریم‌ها منع می‌کند.

سرکوب، اثر مورد نظر خود را داشته است. در مواجهه با ارباب، بسیاری از بوروکرات‌های فلسطینی سازش کرده و تسلیم شده‌اند. به‌اصطلاح «رهبران» تشکیلات خودگردان فلسطین گتوی خود را به لطف یک توافق فاسد با اسرائیل اداره می‌کنند، بنابراین آن‌ها به عنوان مجریان بلافصل اشغالگری اسرائیل عمل کرده و فعالانی را که برای وضعیت غیرقابل تحمل موجود تهدید به شمار می‌روند، مرعوب و زندانی می‌کنند. در آن شرایط، جای تعجب نیست که حماس با وجود روش‌های ناامیدکننده‌اش، حمایت‌هایی پیدا کند. اما حماس فقط پس از آن مطرح شد که دولت اسرائیل به‌طور سیستماتیک تلاش کرد تا هر شکل دیگری از مقاومت آشکار فلسطین را سرکوب کند. به‌رغم سرکوبی که به‌طور طبیعی ناشی از اشغال نظامی و غصب زمین است، جای شگفتی دارد که فلسطینی‌ها به سازماندهی برخی از خارق‌العاده‌ترین کارزارهای نافرمانی مدنی توده‌ای در جهان ادامه داده‌اند. اعتصابات عمومی جنبش کارگری فلسطین که شاهد تاریخ مدرن آن از سال ۱۹۷۶ تا ۲۰۲۱ بوده‌ایم، باعث شرمساری

مهم‌ترین اقدامات اتحادیه‌های کارگری است که در شرایط بسیار راحت‌تری فعالیت می‌کنند. راهپیمایی‌های اعتراضی فلسطینی‌ها، از تظاهرات‌های کوچک‌تر در دیوار جدایی کرانه‌ی باختری گرفته تا راهپیمایی‌های بزرگ بازگشت غزه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، اوج‌های قهرمانانه جنبش حقوق مدنی ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ را به یاد می‌آورند - فقط راهپیمایان فلسطینی هستند که به سمت پایگاه‌های تک‌تیرانداز نظامی می‌روند که در حالت عادی به جمعیت شلیک می‌کنند.

استقامت و تسلیم‌ناپذیری جنبش فلسطین برای توضیح واقعیت زندگی تحت اشغال، احقاق حقوق‌شان و توسعه‌ی روش‌های جدید برای ایجاد همبستگی بین‌المللی، تنها می‌تواند مورد احترام باشد. ما که با وحشت روزانه‌ی ارتش اسرائیل روبرو نیستیم، وظیفه داریم با این شجاعت هماهنگ شویم و جنبش آزادی فلسطین را تقویت کنیم.

## ترجمه‌ی خسرو صادقی بروجنی

پیوند با متن اصلی:

Daniel Taylor (۲۰۲۳), How Israel strangles Palestine's democratic resistance, Redflag, available from: <https://redflag.org.au/article/how-israel-strangles-palestines-democratic-resistance>